

«پیشگیری اجتماعی از جرایم جنسی» در قرآن

علی محمدی جورکویه*

چکیده

«روابط جنسی خارج از مقررات ازدواج» از جمله جرایمی است که به شدت یکی از ارزش‌های اساسی جامعه اسلامی (نسل) را در معرض خطر قرار می‌دهد. این پدیده اجتماعی، از عوامل گوناگونی سرچشمه می‌گیرد و سیاست جنایی اسلام برای مبارزه با آن، تدابیر متعددی را در سطوح مختلف اندیشیده است.

قرآن کریم به عنوان یکی از منابع اصلی احکام، در سطح پیشگیری اجتماعی از جرایم جنسی، تدابیر عامی مانند: اعطای ینش، تقویت ایمان، تقوآمهوری، خداناظری، آموزش، بازشناسی نقش خانواده و رفع نیاز اقتصادی، و تدابیر خاصی همچون: تشریح، تشویق و تسهیل ازدواج، حیا، کنترل نگاه، پرهیز از اختلاط، اصلاح روابط اعضای خانواده در درون خانه، اصلاح روابط زن و مرد و بزه‌پوشی، اندیشیده است. این تدابیر می‌کوشند از سویی، آستانه مقاومت فرد را در برابر کشش‌های غریزه جنسی افزایش دهند. از سوی دیگر، عوامل فردی و اجتماعی و نیز درونی و بیرونی جرایم جنسی را خنثی نمایند.

واژگان کلیدی: پیشگیری اجتماعی، جرایم جنسی، غریزه جنسی، اخلاق جنسی.

* استادیار گروه فقه و حقوق اسلامی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی و عضو انجمن فقه و حقوق اسلامی حوزه علمیه (amg134325@yahoo.com).

مقدمه

از نظر قرآن، انحراف یک‌باره در انسان ایجاد نمی‌شود، بلکه گام به گام به وجود می‌آید. خداوند در آیات متعدد از قرآن کریم، ارتکاب گناه را پیروی از خطوات شیطان نامیده است: «وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ: و از گام‌های شیطان پیروی نکنید» (بقره: 168). چنان‌که برخی مفسران نیز گفته‌اند، وسوسه‌های شیطان به صورت مرحله مرحله است (ر.ک: مکارم شیرازی، 1374، ج 1، ص 572)؛ بنابراین جلو انحرافات را در نخستین گام باید سد کرد و بسترهای تمایل به سمت انحرافات را برچید تا افکار مجرمانه شکل نگیرد. جرایم جنسی به عنوان یکی از بزرگ‌ترین جرایم در حقوق کیفری اسلام، از این قاعده مستثنی نیست. نوشتار حاضر با مراجعه به قرآن کریم، تفاسیر و روایات تفسیری، درصدد بررسی آموزه‌های قرآن کریم در جهت پیشگیری اجتماعی از جرایم جنسی است. سیاست جنایی اسلام برای ممانعت از پیمودن خطوات شیطان و پیشگیری از جرایم از جمله جرایم جنسی، تدابیر خود را در بخش پیشگیری اجتماعی در دو سطح تنظیم کرده است. در سطح نخست این مبارزه، با تدابیری چون اعطای بینش، تقویت ایمان، تقوآم‌حوری، خداناظری، تشریح، تشویق و تسهیل ازدواج و حیا، می‌کوشد انسان به نقطه‌ای برسد که کششی در او برای ورود در دایره ممنوع جنسی به وجود نیاید و در سطح دوم این مبارزه، با تدابیری چون آموزش، بازشناسی نقش خانواده، رفع نیاز اقتصادی، کنترل نگاه، پرهیز از اختلاط، اصلاح روابط اعضای خانواده در درون خانه، اصلاح روابط زن و مرد و بزه‌پوشی، درصدد برچیدن عوامل و زمینه‌های کشش به سوی دایره ممنوع جنسی است.

1. سطح نخست پیشگیری اجتماعی از جرایم جنسی

چنان‌که گفته شد، این سطح از پیشگیری اجتماعی به دنبال تقویت آستانه مقاومت فرد در برابر جرایم جنسی است تا اساساً فرد، میلی به جرایم جنسی نیابد که بخواهد با اقداماتی آن تمایلات را از خود دور سازد. تدابیر سیاست جنایی اسلام در این سطح از

پیشگیری اجتماعی را می‌توان به دو دسته «تدابیر عام» (مشترک) و «تدابیر خاص» (اختصاصی) تقسیم کرد.

1-1. تدابیر عام (مشترک)

این تدابیر اگرچه برای پیشگیری اجتماعی از ارتکاب جرایم جنسی کاربرد دارد؛ ولی اختصاصی به این جرایم ندارد و در پیشگیری از جرایم دیگر نیز مد نظر قرار می‌گیرد.

1-1-1. اعطای بینش

علم و آگاهی سرچشمه همه خوبی‌ها، کمال‌ها و ارزش‌هاست و گام آغازین برای تکامل انسان، دانش و بینش است. بر همین اساس، در نخستین آیاتی که بر پیامبر اسلام ﷺ نازل شد (ر.ک: طبرسی، 1406، ج 10، ص 780/ مکارم شیرازی، 1374، ج 27، ص 153)، خداوند پس از بیان خالقیت خود و چگونگی خلق انسان و تکریمش، می‌فرماید که به او علم و آنچه را نمی‌دانسته، آموخته است.¹ آغاز وحی با چنین آیاتی نشان از نقش ویژه‌دانستن در رسیدن انسان به کمال دارد. از این رو، در آیات فراوانی از قرآن کریم بر علم و فراگیری آن تأکید ویژه شده است؛² بنابراین یکی از روش‌های تربیتی اسلام، اعطای بینش است.

مکتب تربیتی اسلام کوشش فراوانی دارد که انسان را با برخی از حقایق هستی از جمله خودش آشنا سازد تا انسان بر اثر شناختی که می‌یابد، مسیرش را در جامعه برگزیند؛ شناخت نسبت به اینکه قدر و منزلت او چیست و گوهر وجودش چه اندازه گرانبهاست؛ از جمله داشتن استعداد مقام خلیفه‌اللهی،³ مسجود فرشتگان بودن،⁴

1. «أَفْرَأَ بِأَسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ * خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ عَلَقٍ * أَفْرَأَ وَ رَبُّكَ الْأَكْرَمُ * الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ * عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ» (علق: 1-5).

2. «رَبِّهِ قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ إِنْ مَا يَتَذَكَّرُ أُولُو الْأَلْبَابِ» (زمر: 9).

3. «وَ إِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلٰئِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً قَالُوا أَ تَجْعَلُ فِيهَا مَنْ يُفْسِدُ فِيهَا وَ يَسْفِكُ الدِّمَاءَ وَ نَحْنُ نُسَبِّحُ بِحَمْدِكَ وَ نُقَدِّسُ لَكَ قَالَ إِنِّي أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ» (بقره: 30).

4. «وَ إِذْ قُلْنَا لِلْمَلٰئِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ أَبَى وَ اسْتَكْبَرَ وَ كَانَ مِنَ الْكَافِرِينَ» (بقره: 34).

کرامت داشتن⁵ و... تا گوهر وجودش را به جرایم از جمله جرایم جنسی آلوده نکند و آن گوهر را ارزان نفروشد که دنیا با تمام بزرگی‌اش، ارزش برابری با او را ندارد.⁶ همچنین شناخت نسبت به اینکه خداوند ناظر بر اعمال اوست⁷ و شهادت اعضای بدن او نسبت به اعمالی که انجام می‌دهد،⁸ تا احساس نکند زیر پا گذاشتن ارزش‌های فردی و اجتماعی، از جمله بی‌بند و باری‌های اخلاقی و جنسی او در نهان، همواره پوشیده می‌ماند.

شناخت نسبت به اینکه انسان باید حسابگر باشد و در محاسبه اعمال، مداومت داشته باشد⁹ تا مبدا در کشاکش زندگی، از مسیر درست منحرف گردد و در صورت لغزش، راه بازگشت به روی او باز است و هیچ‌گاه این راه بسته نیست.¹⁰ با توجه به مطالب پیش گفته، جرایم بزرگ به یک‌باره اتفاق نمی‌افتند، بلکه انسان گام به گام به سوی آنها کشیده می‌شود. جرایم جنسی زمینه‌ها و مقدماتی دارد؛ از جمله رفتن به سوی محرکات غریزه جنسی مانند داستان‌ها، فیلم‌ها و گفت‌وگوهای جنسی، روابط و دوستی‌ها و...؛ بنابراین محاسبه عملکرد باعث می‌شود افراد مذهبی در طول مسیر کشیده‌شدن به جرایم جنسی، متوجه اشتباه خود گردند و از ادامه آن خودداری ورزند و از مسیری که پیمودند، توبه کنند و برگردند. شناخت نسبت به زشتی عمل و آثار دنیوی آن که گریبان مرتکب و بستگانش را نیز خواهد گرفت. مردی نزد رسول خدا آمد و عرض کرد:

5. «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا» (اسراء: 70).
6. «عن علی: وَ لَبِئْسَ الْمَتَجَرُّ أَنْ تَرَى الدُّنْيَا لِنَفْسِكَ ثَمَنًا وَمِمَّا لَكَ عِنْدَ اللَّهِ عَوَظًا» (صبحی صالح، 1414، خ 32، ص 75).
7. «... يَعلَمُ مَا يَلِجُ فِي الْأَرْضِ وَمَا يَخْرُجُ مِنْهَا وَمَا يَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ وَمَا يَعْرُجُ فِيهَا وَهُوَ مَعَكُمْ أَيْنَ مَا كُنْتُمْ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ» (حدید: 4/ نیز رک: مائده: 116-117/ ق: 16).
8. «الْيَوْمَ نَخْتِمُ عَلَى أَفْوَاهِهِمْ وَتُكَلِّمُنَا أَيْدِيهِمْ وَتَشْهَدُ أَرْجُلُهُمْ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ» (یس: 65).
9. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَلْتَنْظُرْ نَفْسٌ مَا قَدَّمَتْ لِغَدٍ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ» (حشر: 18).
10. «قُلْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَى أَنْفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ» (زمر: 53).

ای رسول خدا! به من اجازه بده زنا کنم. حاضرین بر سرش فریاد کشیدند. رسول خدا ﷺ فرمود: رهاش کنید! مرد نزدیک شد و پیش روی پیامبر نشست. رسول خدا به او فرمود: آیا این عمل را نسبت به مادرت می‌پذیری؟ گفت: نه! فرمود: دیگران نیز این عمل را نسبت به مادرشان نمی‌پسندند. حضرت پرسید: آیا دوست داری که با دخترت چنین کنند؟ پاسخ داد: خیر! فرمود: مردم نیز چنین عملی را نسبت به دختر خود دوست ندارند. پیامبر سؤال کرد: آیا این عمل را نسبت به خواهرت می‌پسندی؟ جواب داد: نه! فرمود: دیگر مردم نیز آن را نسبت به خواهرشان دوست ندارند. آنگاه حضرت دست خود را بر سینه‌اش گذاشت و فرمود: بار خدایا! گناهش را ببوشان، قلبش را پاک گردان و دامنش را حفظ فرما (طبرانی، [بی‌تا]، ج 8، ص 183).

در روایتی امام باقر^ع فرمود: «در خطاب خداوند به حضرت موسی^ع آمده است: هر کس زنا کند، با بستگانش - ولو نسل او در آینده - زنا خواهد شد» (قمی، 1404، ج 4، ص 21).

شناخت نسبت به بزرگی جرایم جنسی¹¹ و اینکه زنا عملی بسیار زشت و راهی بدفرجام می‌باشد¹² و نیز زنا علاوه بر مجازات دنیوی و اخروی، مجازاتی سخت، عذابی مضاعف و خواری دائمی در جهان آخرت خواهد داشت.¹³

بر این اساس، یکی از راه‌های اساسی پیشگیری جرایم جنسی، اعطای بینش به اعضای جامعه نسبت به قدر و منزلت‌شان و منافات جرایم جنسی با آن مقام و نیز نسبت به ماهیت و پیامدهای دنیوی و اخروی این جرایم است تا افراد با یافتن این شناخت، بر زیاده‌خواهی‌های نفس خود لگام زنند و بکوشند به این منطقه ممنوع نزدیک نشوند.

2-1-1. تقویت ایمان

از عوامل مهم احترام به ارزش‌ها و رعایت هنجارهای جامعه، درونی شدن ارزش‌ها و هنجارهاست. تا زمانی که فرد به ارزش‌ها و هنجارها اعتقاد نداشته باشد، پای‌بندی و

11. رسول خدا ﷺ فرمود: هرگز بنی‌بشر جرمی انجام نمی‌دهد که نزد خداوند عزوجل بزرگ‌تر باشد از اینکه کسی ... با زنی به حرام درآمیزد (احسائی، 1403، ج 3، ص 545).

12. «وَلَا تَقْرَبُوا الزَّوْجَ إِتْنَهُ كَانَ فَاحِشَةً وَسَاءَ سَبِيلًا» (اسراء: 32).

13. «... وَلَا يَزْنُونَ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ يَلْقَ أَثَامًا. يُضَاعَفْ لَهُ الْعَذَابُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَيَخْلُدْ فِيهِ مُهَانًا» (فرقان: 68-69).

احترام او به آن قابل اعتماد و بادوام نخواهد بود. حتی اگر به جهاتی یا در اثر عواملی ناچار به رعایت آن گردد، چنانچه فرصتی دست دهد، نسبت به آن وفادار نخواهد ماند. بر همین اساس، خداوند «دوری از جرایم جنسی» را یکی از صفات «مؤمنان» می‌شمارد: قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ ... وَالَّذِينَ هُمْ يُرْوَجُونَ إِلَّا عَلَىٰ أَرْوَاجِهِمْ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ فَإِنَّهُمْ غَيْرُ مَلُومِينَ: مؤمنان رستگار شدند آنها که ... دامان خود را [از آلوده شدن به بی‌عفتی] حفظ می‌کنند. تنها آمیزش جنسی با همسران و کنیزانشان دارند که در بهره‌گیری از آنان ملامت نمی‌شوند (مؤمنون: 1 و 5-6).

در این آیه، به روشنی میان ایمان و محافظت از فروج — که همان دروی از جرایم جنسی است — و رفع نیاز جنسی از راه مشروع، پیوند برقرار شده است. به عبارت دیگر، ایمان به خدا و دستورات او با آلودگی جنسی قابل جمع نیستند. در روایتی از پیامبر اسلام ﷺ آمده است: «لا یزنی الزانی و هو مؤمن: انسان مسلمان در حالی که ایمان دارد، زنا نمی‌کند» (حرّ عاملی، 1409، ج 15، ص 325).

از این رو، مکتب اسلام در صدد است در مرحله نخست، ایمان فرد مسلمان از سطح زبانی به سطح قلبی برسد تا گفتار و رفتار او را تحت تأثیر قرار دهد؛ چنان‌که خداوند در این باره در قرآن می‌فرماید:

قَالَتِ الْأَعْرَابُ آمَنَّا قُلْ لَمْ تُؤْمِنُوا وَلَكِنْ قُولُوا أَسْلَمْنَا وَلَمَّا يَدْخُلِ الْإِيمَانُ فِي قُلُوبِكُمْ وَإِنْ تُطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ لَا يَلِتْكُمْ مِنْ أَعْمَالِكُمْ شَيْئاً إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ: عرب‌های بادیه‌نشین گفتند: ایمان آورده‌ایم. بگو: شما ایمان نیاورده‌اید؛ ولی بگویید اسلام آورده‌ایم؛ اما هنوز ایمان وارد قلب شما نشده است! و اگر از خدا و رسولش اطاعت کنید، چیزی از پاداش کارهای شما را فروگذار نمی‌کند. خداوند، آمرزنده مهربان است (حجرات: 14).

ایمان قلبی بر گفتار و رفتار انسان مؤمن تأثیر می‌گذارد که نتیجه‌اش پیروی از آموزه‌های اسلامی است، وگرنه اسلام امری زبانی است و چنین اثری ندارد؛ بنابراین چه بسا مسلمانانی را می‌بینیم که رفتار و گفتارشان نشانی از اسلام ندارد.

آموزه‌های اسلامی در مرحله بعد می‌کوشند روزانه، بلکه لحظه به لحظه بر ایمان افراد مؤمن بیفزایند. تشریح انواع عبادات مانند نماز، روزه و توصیه به انواع اعمال نیک، در جهت ارتقای سطح ایمان افراد مؤمن است. نماز، انسان مؤمن را به اوج قله ایمان

می‌رساند؛ انسانی که با نماز به قرب حق تعالی دست یازد، چنان ایمانی می‌یابد و به مرتبه‌ای از کمال می‌رسد که حاضر نمی‌شود از مرزهای اخلاق جنسی عبور کند و خود را حقیر سازد. قرآن می‌فرماید:

وَأَقِمِ الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَلَذِكْرُ اللَّهِ أَكْبَرُ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا تَصْنَعُونَ؛ و نماز را برپا دار، که نماز [انسان را] از زشتی‌ها و گناه بازمی‌دارد و یاد خدا بزرگ‌تر است و خداوند می‌داند شما چه کارهایی انجام می‌دهید! (عنکبوت: 45).

برابر این آیه شریفه، یکی از فلسفه‌های تشریح نماز، فاصله‌گرفتن انسان نمازگزار از فحشاست که جرایم جنسی روشن‌ترین مصداق آن است؛ نمازی که هر مسلمان و فرد باایمانی وظیفه دارد دست کم در شبانه‌روز پنج مرتبه آن را به جای آورد. به عبارت دیگر، نماز در فواصل گوناگون شبانه‌روز، انسان را کنترل می‌کند تا مبادا از حدود و مرزهای تعیین‌شده در شرع بیرون رود و قوانین شرعی را زیر پا بگذارد. طبیعی است مرد یا زن مؤمن، با چنین برنامه و اعتقادی دامن خود را به جرایم جنسی آلوده نمی‌کند. از آنجا که معمولاً ارتکاب جرایم جنسی به ارتباط مقدماتی و زمینه‌هایی نیاز دارد و به یک‌باره اتفاق نمی‌افتد، اگر انسان مؤمن دچار غفلت شود و بخواهد از مسیر اخلاق جنسی منحرف گردد، فوری در زمان بعدی که به نماز می‌ایستد، به خطایش پی می‌برد و از انحراف برمی‌گردد.

یکی دیگر از احکام عبادی اسلام، روزه است. از جمله آثار روزه، تقویت ایمان فرد روزه‌دار است. کسی که به میل خود می‌کوشد غریزه سرکش جنسی را لگام زند و حتی با همسر خود در زمان روزه‌بودن آمیزش جنسی نداشته باشد، با این تمرین به این اراده استوار می‌رسد که بتواند در مقابل زیاده‌خواهی نفس برای ارتکاب جرایم جنسی مقاومت نماید؛ چنان‌که برخی پرونده‌هایی که به صورت گزینشی در این باره بررسی شد، این ادعا را تأیید می‌کند که افرادی دامن خود را به جرایم جنسی آلوده می‌کنند که از آموزه‌های اسلامی فاصله بسیار گرفته‌اند و به مرحله ایمان نرسیده‌اند؛ هرچند مسلمان باشند.¹ بررسی پرونده‌ها و اعترافات موجود در آنها همگی بر این نکته دلالت

1. ر.ک: سایت تابناک، بوتیک شیطان پلمپ شد، کد خبر: 114068، تاریخ انتشار: 24 مرداد 1389/

دارد که اکثریت معناداری از مرتکبان جرایم جنسی، کسانی‌اند که دارای ایمان دینی محکمی نیستند و تقیدی نسبت به احکامی مانند نماز و روزه ندارند. علاوه بر این، روزه تأثیر قابل توجهی در تقلیل خواهش‌های جنسی انسان دارد؛ چنان‌که رسول گرامی اسلام ﷺ به جوانی که برای چاره‌جویی در مقابل فشار غریزه جنسی نزد حضرت آمده بود، فرمود:

يَا مَعْشَرَ الشَّبَابِ، عَلَيْكُمْ بِالْبَاهِ، فَإِنْ لَمْ تَسْتَطِيعُوهُ، فَعَلَيْكُمْ بِالصَّيَامِ؛ فَإِنَّهُ وَجَاؤُهُ؛ أَي جَوَانَانِ! بر شما باد ازدواج و زناشویی و چنانچه توانایی ازدواج ندارید، روزه بگیرید؛ زیرا روزه میل جنسی را به شدت کاهش می‌دهد (کلینی، 1407، ج 7، ص 683).

بر این اساس، یکی از راه‌های مهم و اصلی پیشگیری از جرایم جنسی، تقویت باور به قانون به ویژه ایمان دینی است؛ همان‌گونه که پدر علم جرم‌شناسی در ایران، به حق بیان می‌کند که ایمان به خدا، ایمان به مبدأ هستی و ابدیت، بزرگ‌ترین عامل بازدارنده از لغزش‌ها و رذایل است (کی‌نیا، 1373، ج 1، ص 18).

3-1-1. تقوا محوری

یکی از اهداف میانی نظام عبادی و اخلاقی اسلام، رسیدن انسان‌های مؤمن به فضیلت تقواست؛ زیرا رسیدن به این فضیلت، انسان را از اندیشیدن به ممنوعات بازمی‌دارد تا چه رسد به گام برداشتن سوی مناطق ممنوع از جمله منطقه ممنوع جنسی؛ بنابراین خداوند پس از امر به روزه‌داری، درباره ثمره روزه می‌فرماید: «لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ» تا پرهیزگار شوید» (بقره: 183).

همچنین خداوند در آیات متعددی از قرآن کریم، خطاب به انسان‌ها یا مؤمنان آنان را به تقوا دعوت کرده است (آل عمران: 102/ نساء: 1/ مائده: 35/ توبه: 119/ حج: 1/ لقمان: 33/ احزاب: 70/ زمر: 10/ حدید: 28/ حشر: 18).

1389/ سایت تابناک، اخاذی دختری با ارسال فیلم‌های مستهجن، کد خبر: 79416. تاریخ انتشار: 11 دی 1388/ روزنامه ایران، دام شیطانی مرد دندانپزشک برای دختران جوان، دوشنبه 1386/1/20 سایت تابناک، قتل دوست صمیمی برای رسیدن به دختر جوان، کد خبر: 205254، تاریخ انتشار: 1 آذر 1390.

«تقوا» در اصل به معنای نگهداری یا خویشن‌داری است و به تعبیر دیگر، یک نیروی کنترل درونی است که انسان را در برابر طغیان شهوات حفظ می‌کند و در واقع نقش ترمز نیرومندی را دارد که ماشین وجود انسان را از سقوط در پرتگاه‌ها حفظ کرده، از تندروی‌های خطرناک بازمی‌دارد (مکارم شیرازی، 1386، ج 1، ص 42). این همه اهتمام و توجه به تقوا، نشانگر نقش مهم آن در سعادت انسان و حفظ انسان از اندیشیدن به امور ممنوع و حرکت به سوی آنها از جمله جرایم جنسی است. بر این اساس، سیاست جنایی اسلام در امر مبارزه با جرایم از جمله جرایم جنسی، نگاه ویژه‌ای به تقوا دارد و با بیان راه‌های کسب و تقویت تقوا، می‌کوشد این عامل کنترل را در درون انسان نهادینه کند تا مانعیت از ارتکاب جرایم از جمله جرایم جنسی از درون فرد بجوشد که همواره حتی در خلوت‌ترین مکان‌ها با اوست.

1-1-4. پذیرش خداناظری

بحثی در جامعه‌شناسی ذیل عنوان کنترل عاطفی مطرح است و منظور این است که از آنجا که عواطف، احساسات مرتبط با عناصری چون تعلق و مهر و محبت می‌باشد؛ بنابراین عناصری مانند شرم، خجالت، سرافکنندگی، گناه و حتی تکبر، سهم مهمی در مهار رفتار فرد دارند و آگاهانه یا ناخودآگاه او را وامی‌دارند تا رفتار و حتی افکارش را در سمت و سویی که خود بدان متوجه‌اند، هدایت کند. از سوی دیگر، به جهت اینکه عواطف انسانی عمدتاً در بستر کنش متقابل اجتماعی شکل می‌گیرد، فشار آنها نیز وی را به مسیر رعایت ارزش‌های اجتماعی رهنمون می‌شود؛ مثلاً بر اثر میل به وابستگی گروهی یا نیاز به احساس مقبولیت در اجتماع، به نرّم‌های اجتماعی احترام می‌گذارد (سلیمی و داوری، 1385، ص 513).

اما این بحث در آموزه‌های اسلامی به گونه‌ای متفاوت و مؤثرتر توجه شده است؛ زیرا بر اساس آنچه گفته شد، انسان بسیاری از اعمال را به جهت اینکه جامعه و افرادش آنها را ناخوشایند می‌شمارند - هر چند میل داشته باشد - در حضور دیگران انجام نمی‌دهد؛ ولی اگر فرصتی به دور از چشم دیگران دست دهد، آنها را مرتکب می‌گردد.

بر این اساس، یکی از ویژگی‌های تعلیم و تربیت در اسلام، پذیرش خدانانظری میان مسلمانان و در جامعه اسلامی است تا افراد مسلمان هر لحظه خود را در محضر خدا ببینند؛ خدایی که حتی در نهان‌ترین مکان‌ها بر انسان ناظر است:

وَهُوَ مَعَكُمْ أَيْنَ مَا كُنْتُمْ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ: و هر جا باشید، او با شماست و خداوند نسبت به آنچه انجام می‌دهید، بیناست (حدید: 4).

وَلَا تَعْمَلُونَ مِنْ عَمَلٍ إِلَّا كُنَّا عَلَيْكُمْ شُهُودًا إِذْ تُفِيضُونَ فِيهِ وَمَا يَعْزُبُ عَنْ رَبِّكَ مِنْ مِثْقَالِ ذَرَّةٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ وَلَا أَصْغَرَ مِنْ ذَلِكَ وَلَا أَكْبَرَ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُبِينٍ: و هیچ عملی را انجام نمی‌دهید، مگر اینکه ما گواه بر شما هستیم در آن هنگام که وارد آن می‌شوید! و هیچ چیز در زمین و آسمان، از پروردگار تو مخفی نمی‌ماند؛ حتی به اندازه سنگینی ذره‌ای، و نه کوچک‌تر از آن و نه بزرگ‌تر، مگر اینکه [همه آنها] در کتاب آشکار [و لوح محفوظ علم خداوند] ثبت است! (یونس: 61).

خداوند می‌فرماید نه تنها بر گفتار و رفتار انسان احاطه داریم، بلکه بر آنچه در ضمیرش می‌گذرد، آگاهیم:

و نَعْلَمُ مَا تُسْوِسُ بِهِ نَفْسُهُ وَ نَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ: ما انسان را آفریدیم و سوسه‌های نفس او را می‌دانیم و ما به او از رگ قلبش نزدیک‌تریم (ق: 16).

آموزه‌های اسلامی درصدد ایجاد این بینش اند که انسان در هیچ مکان، زمان و حالی از نظارت خداوند مخفی نیست و انسانی که به چنین فرهنگ و باوری برسد، نه تنها در ملاء عام حتی در پنهان‌ترین مکان، زمان و حالت، دست به ارتکاب جرم از جمله جرایم جنسی نمی‌زند، بلکه از اندیشیدن به آن نیز خودداری می‌ورزد؛ زیرا از حضور و آگاهی خداوندی که همه وجودش را مرهون اوست، شرم دارد و حیا می‌کند و می‌داند هیچ جرم کوچک و بزرگی حتی اندیشه مجرمانه از او مخفی نخواهد ماند و اگر بتواند از چنگال عدالت در این دنیا به هر جهتی رهایی یابد، در آخرت به سبب آن مؤاخذه خواهد شد.

در ماجرای حضرت یوسف و زلیخا، آنگاه که زلیخا خود را آراست و مهیا کرد و در مکانی بسته و کاملاً پنهان از دید دیگران، پیشنهاد کامجویی به حضرت یوسف داد، آن حضرت با همین بینش و اعتقاد، بر نفس خود مسلط گشت و گفت:

قَالَ مَعَاذَ اللَّهِ إِنَّهُ رَبِّي أَحْسَنَ مَثْوَايَ إِنَّهُ لَا يَفْلِحُ الظَّالِمُونَ: [یوسف] گفت: پناه می‌برم به خدا! او پرودگار من است. مقام مرا گرامی داشته است؛ مسلماً ظالمان رستگار نمی‌شوند (یوسف: 23).

به عبارت دیگر، حضرت یوسف پرودگار را بر اعمال خود ناظر دید و از اینکه در حضور او با دستورش مخالفت کند و دامن خود را به رابطه نامشروع آلوده نماید، حیا کرد.

1-2-1. تدابیر خاص (اختصاصی)

این تدابیر، برنامه‌هایی است که در سیاست جنایی اسلام به طور خاص برای پیشگیری از جرایم جنسی اندیشیده شده است.

1-2-1. تشریح، تشویق و تسهیل نهاد ازدواج

در تعامل با گزینه جنسی، سه رویکرد قابل توجه است؛ رویکرد پلیدانگاری، رویکرد آزادانگاری و رویکرد مفید و مقیدانگاری. رویکرد اخیر، ضمن پاسخ‌گویی به نیاز جنسی، برای برآوردن و تعدیل آن مقرراتی را ترسیم می‌کند که رویکرد اسلام به گزینه جنسی است. اسلام برای پاسخ مثبت به نیاز جنسی انسان و تعدیل و هدایت گزینه جنسی، نهاد ازدواج اعم از دائم و موقت را بنیان گذاشته است.

الف) ازدواج دائم: خداوند در قرآن کریم درباره ازدواج دائم می‌فرماید:

فَأَنْكِحُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ: پس با زنان پاک [دیگر] ازدواج کنید (نساء: 3).
وَأَنْكِحُوا الْأَيَامَى مِنْكُمْ: و مردان و زنان بی‌همسر خود را همسر دهید (نور: 32).
وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ: و از نشانه‌های او اینکه همسرانی از جنس خودتان برای شما آفرید تا در کنار آنان آرامش یابید و در میانتان مودت و رحمت قرار داد. در این نشانه‌هایی است برای گروهی که تفکر می‌کنند! (روم: 21).

اسلام با تشریح ازدواج، گزینه جنسی انسان را مطلوب ارزیابی کرده، درصدد رفع قانونمند آن برآمده است تا انسان بدین وسیله از فشار و طغیان گزینه جنسی رهایی یابد و به یک آرامش و سکون درونی برسد؛ بنابراین فقها به استناد این آیات و روایات،

در ابتدای بحث نکاح، ازدواج را امری مستحب و حتی در مواردی واجب دانسته‌اند (ر.ک: طوسی، 1387، ج، ص 152/ طرابلسی، 1406، ص 178/ علامه حلی، [بی‌تا]، ص 414/ نجفی، 1404، ص 8)، بلکه در صورت نیاز، تعدد زوجات را به شرط عدم وجود ترس بی‌عدالتی، برای مردان مجاز شمرده است: «ازدواج کنید با زانی که برای شما پاکیزه دانسته شد، دو تا، سه تا و چهار تا» (نساء: 3).

بر این اساس، یکی از راه‌های پیشگیری از جرایم جنسی، ازدواج است. حکومت اسلامی و نهادهای مدنی نیز وظیفه دارند در جهت ارشاد به ازدواج و تسهیل و کمک به ازدواج جوانان بکوشند و عوامل دوری از ازدواج را رفع نمایند. خداوند در آیه 32 سوره نور با تعبیر «انکحوا» به دیگران دستور می‌دهد که زنان و مردان بی‌همسر را همسر دهید. این «دیگران» شامل مسئولان حکومتی، همه نهادهای مدنی و آحاد جامعه اسلامی می‌شود.

ب) ازدواج موقت: دوره جوانی، زمان اوج غریزه جنسی است و متأسفانه آمار جوانان ازدواج‌نکرده، بسیار زیاد شده است. از سوی دیگر، لزوم گذراندن دوره تحصیلات عالی و تکمیلی، توسعه لوازم اولیه زندگی مشترک و بالا رفتن سطح توقعات، فقدان فرصت شغلی مناسب و سنگین بودن هزینه تهیه لوازم زندگی و مسکن، امر ازدواج جوانان را سخت کرده، سبب بالا رفتن سن ازدواج میان جوانان گردیده است. علاوه بر این، افزایش قارچ‌گونه پورنوگرافی و فیلم‌های غیراخلاقی در کنار توسعه استفاده از تلفن همراه، رایانه و اینترنت، غریزه جنسی جوانان را تحریک و تشدید و به یک بحران تبدیل کرده است. روابط آزاد میان پسران و دختران، دوستی‌های اینترنتی و خیابانی و پارتی‌های مختلط، به شدت رو به افزایش است.

وجود مردان و زنان مجردی که دست کم یک‌بار تجربه زندگی مشترک را داشته‌اند؛ ولی به جهت فوت همسر یا طلاق، شریک زندگی خود را از دست داده‌اند و به هر دلیلی امکان از سرگیری زندگی با همسر دائمی دیگر برایشان فراهم نیست، بر دامنه این مشکل می‌افزاید.

در فرهنگ عمومی ما ازدواج مجدد برای زنان بسیار دشوار است؛ به ویژه اگر دارای

فرزند نوجوان یا جوان نیز باشند که قریب به محال است؛ ولی گزینه جنسی که در نهاد انسان به ودیعه گذاشته شده است، با این گونه امور از میان نمی‌رود. از این رو، اسلام راهکار ازدواج موقت را مقرر کرده است:

فَمَا اسْتَمْتَعْتُمْ بِهِ مِنْهُنَّ فَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ فَرِيضَةً: زنانی را که متعه [ازدواج موقت] می‌کنید، واجب است مهر آنان را بپردازید (نساء: 24).

بر این اساس، یکی از راه‌های تعدیل گزینه جنسی، ازدواج موقت است که می‌تواند از دامنه جرایم جنسی بکاهد؛ چنان‌که امام باقر^ع فرمود که امام علی^ع می‌فرمود: اگر عمر سبقت نمی‌گرفت نسبت به ازدواج موقت و آن را حرام نمی‌کرد، به جز انسان‌های بدبخت و پلید، زنا نمی‌کردند (طوسی، 1363، ص 141).

به بیان دیگر، هر مرد یا زنی که نیاز جنسی داشته باشد، می‌تواند با شرایطی آن را از راه ازدواج موقت برطرف نماید؛ بدون اینکه به نقض ارزش‌ها و مقررات جامعه منجر گردد و برای افراد سالم، بهانه‌ای برای رفتن به سوی جرایم جنسی باقی نمی‌ماند.

2-2-1. حیا

حیا در لغت به معنای شرم، خجالت و آزر است (النهایة، ذیل واژه «حیا»/ لغتنامه دهخدا، ذیل واژه «حیا») و در اصطلاح، ملکه‌ای نفسانی است که سبب نگه‌داشتن فرد از انجام کارهای قبیح و انزجار از اعمال خلاف آداب به جهت ترس از سرزنش می‌شود (مجلسی، 1410، ج 68، ص 329).

حیا ابعاد گوناگونی دارد؛ حیا در برابر خداوند، حیا در مواجهه با بزرگ‌ترها، حیا در مقابل پدر و مادر و حیا در روابط با نامحرم که بُعد اخیر در این بحث مورد نظر است. حیا در روابط با نامحرم، نقش مهمی در کنترل گزینه جنسی و پیشگیری از جرایم جنسی دارد. قرآن درباره دختر حضرت شعیب می‌فرماید: «پس یکی از دختران شعیب در حالی که با حیا گام برمی‌داشت، نزد موسی برگشت» (قصص: 25).

2. سطح دوم پیشگیری اجتماعی از جرایم جنسی

تدابیر در سطح دوم از پیشگیری اجتماعی می‌خواهد با عوامل و زمینه‌های کشش سوی

محدوده ممنوع جنسی مبارزه نماید. تدابیر سیاست جنایی اسلام در این سطح از مبارزه با جرایم جنسی نیز به دو قسمت تدابیر عام (مشترک) و تدابیر خاص (اختصاصی) قابل تقسیم است.

2-1. تدابیر عام (مشترک)

این قسم از تدابیر که علاوه بر جرایم جنسی، در پیشگیری از جرایم دیگر نیز کاربرد دارد، بدین شرح است.

2-1-1. آموزش

بسیاری از انحرافات از عدم علم ناشی می‌شود؛ شخص غریزه جنسی را نمی‌شناسد، راه تعامل با آن را نمی‌داند، از دام‌های گسترانیده شده بر سر راهش آگاه نیست، مناطق ممنوع را نمی‌شناسد و از پیامدهای ورود به آن اطلاعی ندارد. شیطان درون و بیرون از این بی‌خبری که آمیخته به کشش‌های قدرتمند غریزه جنسی است، بهره می‌برد و او را به جرایم جنسی آلوده می‌سازد و گام‌نهادن در این وادی پُرخطر در بسیاری از مواقع بازگشت را سخت می‌کند. خداوند در قرآن کریم می‌فرماید:

وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْتَرِي لَهْوَ الْحَدِيثِ لِيُضِلَّ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ: و بعضی از مردم، سخنان باطل و بیهوده خریداری می‌کنند تا مردم را از روی جهل و نادانی گمراه سازند (لقمان: 6).

دو نکته از این آیه شریفه بیشتر مورد توجه است:

الف) عبارت «لهو الحدیث» دارای مفهومی گسترده است که هر گونه سخن، آهنگ یا برنامه سرگرم‌کننده و غفلت‌زا را که انسان را به بیهودگی یا گمراهی می‌کشاند، دربرمی‌گیرد؛ خواه غنا، آهنگ و صحنه‌های شهوت‌انگیز و هوس‌آلود باشد، خواه سخنان به ظاهر علمی که از راه محتوا، انسان را به بیهودگی و فساد سوق می‌دهد یا فیلم‌ها، حکایت‌ها و قصه‌هایی که انسان را به سوی فساد می‌کشاند (ر.ک: طباطبایی، 1417، ج 16، ص 213/ مکارم شیرازی، 1374، ج 17، ص 15).

ب) عبارت «بغیر علم» هم می‌تواند وصف گمراه‌کنندگان باشد؛ یعنی خود

گمراه‌کنندگان نیز در بی‌خبری به سر می‌برند و از انحرافی بودن اقدامشان یا عمق فاجعه بی‌اطلاع اند و هم می‌تواند وصف گمراه‌شوندگان باشد؛ یعنی افرادی که به سخنان، آهنگ‌ها و برنامه‌ها روی می‌آورند، فریب خورده‌اند، نه از مضربودن آن خبر دارند و نه از آینده‌ای که این امور برایشان به ارمغان می‌آورد (ر.ک: طباطبایی، 1417، ج 16، ص 210/ مکارم شیرازی، 1374، ج 17، ص 16).

بر این اساس، یکی از راه‌های مؤثر در پیشگیری از جرایم جنسی، ارائه آموزش لازم به صورت رسمی و غیررسمی به افراد جامعه، به ویژه نوجوانان و جوانان است. این آموزش می‌تواند با سیاست‌گذاری مشخصی از یک سو در دوره‌های گوناگون آموزش رسمی کشور اعم از ابتدایی، متوسطه و عالی صورت گیرد و از سوی دیگر، به وسیله رسانه‌های دیداری، شنیداری و نوشتاری نیز به اجرا درآید.

به عبارت دیگر، آموزش رسمی و غیررسمی کشور می‌تواند در جهت مبارزه با جرایم جنسی به کمک خانواده‌ها بشتابد و تعاملی میان آنها شکل بگیرد و تلاش یکدیگر را تکمیل کنند، بلکه تکامل ببخشند یا دست کم آن را خنثی نکنند و این مهم جز به وجود وحدت هدف و هماهنگی میان خانواده‌ها و حاکمیت میسر نمی‌شود. گفتنی است برای اینکه خانواده بتواند به وظیفه‌اش در این باره درست عمل نماید، والدین باید درباره اخلاق جنسی، اطلاعات لازم را داشته باشند تا آموزش این امور به فرزندان برایشان ممکن باشد.

این آموزش در محورهای ذیل باید صورت گیرد:

الف) با آغاز دوران بلوغ، نوجوان تحت فشار سنگین نیرویی قرار می‌گیرد که تا آن زمان برایش ناشناخته بوده است. از این رو، ذهن او درگیر پرسش‌ها، بلکه بحران می‌گردد؛ بنابراین شناسایی گزینه جنسی، چگونگی تعامل درست با آن و آموزه‌های اخلاق جنسی در اسلام - مناطق مجاز و ممنوع و مسئولیت ورود به مناطق ممنوع - و هدف از به ودیعه گذاشتن این گزینه در وجود آدمی و نقش آن در جهت هدف عالی خلقت انسان، یکی از محورهای مهم این آموزش باید باشد.

یکی از غرایزی که با شروع دوران بلوغ در فرد شکوفا می‌شود، گزینه جنسی است

که نوجوان را به دنیای ناشناخته‌ای وارد می‌سازد و او را با بحران‌هایی مواجه می‌کند. والدین باید با نزدیک شدن به فرزندان، ترس و حیای آنها را از پرسیدن پرسش‌های جدید و طرح مشکلات‌شان برطرف نمایند تا فرزندان مسائل و هیجانات تازه خود را بشناسند و نوع تعامل با آنها را فراگیرند و از انحراف و کجروی بپرهیزند (فرجاد، 1369، ص 92-93).

البته در این مورد باید از وارد کردن پیش از موعد آنان به مباحث جنسی پرهیز کرد و آموزش‌های مرحله به مرحله به آنان نسبت به امور جنسی در تعامل میان خانه و مدرسه با محوریت خانواده و همکاری مدرسه باشد.

ب) امروزه رسانه‌ها به ویژه کانال‌های ماهواره‌ای و اینترنت، به لحاظ کمی و کیفی توسعه بی‌سابقه‌ای یافته است و به رغم فواید متعدد این توسعه - چنان‌که گفته شد - سوء استفاده‌های زیادی به وسیله دولت‌ها و باندهای مفسد از آن صورت می‌گیرد و مضرات زیاد فردی و اجتماعی به دنبال دارد. از آنجا که امکان جلوگیری بیرونی از استفاده نادرست از این رسانه‌ها وجود ندارد، مطمئن‌ترین، فراگیرترین و کم‌هزینه‌ترین راه مقابله با این سوء استفاده، آموزش افراد جامعه به ویژه نوجوانان و جوانان نسبت به چگونگی استفاده درست از این تکنولوژی و خطرات برنامه‌های نامناسب آن و شگردهای مورد استفاده در این رسانه‌ها برای به فسادکشانیدن مخاطبان است.

2-1-2. بازشناسی نقش خانواده

خانواده کوچک‌ترین و نخستین واحد اجتماعی است که در تربیت فرد، نقش ایفا می‌کند. خداوند در قرآن کریم دستور صریح می‌دهد:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ عَلَيْهَا مَلَائِكَةٌ غِلَاظٌ شِدَادٌ لَا يَعْصُونَ اللَّهَ مَا أَمَرَهُمْ وَيَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ: ای کسانی که ایمان آورده‌اید! خود و خانواده خویش را از آتشی که هیزم آن انسان‌ها و سنگ‌هاست، نگاه دارید؛ آتشی که فرشتگانی بر آن گمارده شده که خشن و سخت‌گیرند و هرگز فرمان خدا را مخالفت نمی‌کنند و آنچه را فرمان داده شده‌اند [به طور کامل] اجرا می‌نمایند! (تحریم: 6).

مفسران فرموده‌اند بر اساس این آیه شریفه، یکی از وظایف و کارکردهای مهم خانواده،

حفظ اعضا به ویژه فرزند از فرجام بد از راه تعلیم و تربیت آنان است؛ خوبی‌ها را به آنان بیاموزد و از بدی‌ها بازشان دارد (ر.ک: طباطبایی، 1417، ج 19، ص 334/طبرسی، 1406، ج 10، ص 477/مکارم شیرازی، 1374، ج 24، ص 287).

خانواده باید ارزش‌های جامعه را بشناسد و در انتقال آن به فرزند بکوشد، مهارت‌های تعامل با محیط اطراف اعم از اعضای خانواده، همسالان، دوستان و دیگر افراد جامعه را به فرزند بیاموزد و او را برای مواجهه با فراز و فرودهای زندگی مهیا سازد.

بر این اساس، پایه‌های تقید فرد به اخلاق جنسی در خانواده شکل می‌گیرد. والدین مقید با رفتار خود، پای بندی به اخلاق جنسی جامعه را به او می‌آموزند. همگام با آن، بیان آموزه‌های اخلاق جنسی و اهتمام به رعایت آن، در تقید فرزند به این اخلاق مؤثر است.

تکوین شخصیت فرزند در خانواده شکل می‌گیرد؛ شخصیتی سالم، قوی، محکم و دارای عزت که هر هوسی او را به دنبال خود نکشاند، هر شکستی او را از میدان زندگی بیرون نکند، هر وعده‌ای او را نفریبد و گوهر وجود خود را به بهای اندک نفروشد.

خانواده کانون مهر، محبت، دلدادگی و دل‌بستگی است. خداوند می‌فرماید:

وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ: و از نشانه‌های او اینکه همسرانی از جنس خودتان برای شما آفرید تا در کنار آنان آرامش یابید و در میان‌تان مودت و رحمت قرار داد؛ در این نشانه‌هایی است برای گروهی که تفکر می‌کنند! (روم: 21).

خانواده باید از چنان صفا و صمیمیت و گرمای مطبوعی برخوردار باشد که اعضای آن دنبال کانون دیگری نباشند. این هشدار جدی است که خلأ عاطفی، حاکم نبودن روابط محبت‌آمیز بر روابط زن و شوهر یا دیگر اعضای خانواده، تهدید، ارباب و اعمال خشونت علیه زنان و دختران، عزت نفس آنها را از میان می‌برد و فرد را تشنه کوچک‌ترین نگاه محبت‌آمیز می‌کند.

دل‌بستگی و وابستگی به خانواده، بی‌شک در بازداشتن فرد از انحراف مؤثر است. اگر

خانواده گرما و جاذبه لازم را نداشته باشد، به میزان کاهش این ویژگی از درصد وابستگی فرد به آن کاسته می‌گردد و به موازات احتمال دل‌بستگی فرد به جمعیت‌ها و افراد بیرون از خانواده افزایش می‌یابد و این آغازی برای حرکت سوی انحراف از ارزش‌های جامعه از جمله اخلاق جنسی است. دور از انتظار نیست وقتی نوجوانی گرما و کشش خانواده را احساس نکرد، نیاز وابستگی و دل‌بستگی خود را در افراد بیرون از خانواده اعم از گروه دوستان و همسالان بیابد و احتمال به خطارفتن در این تلاش، به ویژه با توجه به احساسات دوران نوجوانی و فقدان تجربه بالاست؛ بنابراین می‌بینیم بسیاری از نوجوانانی که به دام جرایم جنسی گرفتار می‌گردند، از خانواده‌های نابسامان، درگیر اختلاف و طلاق‌اند؛ نوجوانانی که از کشمکش‌های بی‌حاصل در خانواده خسته شده‌اند یا از زندگی با پدر یا مادر تنها در رنج و عذاب‌اند یا توان سازگاری با ناپدری یا نامادری را ندارد یا از زندگی با پدر و مادر بزرگی که شرایط هم‌سخنی با او را ندارند و او را درک نمی‌کنند، به ستوه آمده‌است؛ بنابراین درباره تهدیدهایی که به صورت فرصت برایشان جلوه می‌کنند، دقت و بررسی لازم را به کار نمی‌برند و شتابان آن را می‌پذیرند.

نقش دیگر خانواده در تداوم، تکمیل و اصلاح تربیت زوجین است. اهمیت خانواده در این باره به گونه‌ای است که خداوند در قرآن کریم می‌فرماید:

هُنَّ لِبَاسٌ لَكُمْ وَأَنْتُمْ لِبَاسٌ لَهُنَّ؛ آنها لباس شما هستند و شما لباس آنها [هر دو زینت هم و سبب حفظ یکدیگرید] (بقره: 187).

زن و شوهر یکدیگر را در برابر تندباد غریزه جنسی حفظ می‌کنند و از میل و سقوط در گرداب فساد جنسی بازمی‌دارند.

بر این اساس، باید ابزار لازم را برای نقش‌آفرینی خانواده فراهم آورد و موانع فرهنگی و اقتصادی موجود را از سر راه آن برداشت تا این نهاد بی‌بدیل، جایگاه خود را باز یابد.

3-1-2. رفع نیاز اقتصادی نیازمندان

از آنجا که یکی از عوامل مؤثر در جرایم جنسی، فقر و نیاز مادی است، رفع این نیاز از راهکارهای مهم پیشگیری از این جرایم محسوب می‌شود و این وظیفه‌ای حکومتی و مردمی است. به عبارت دیگر، اقدام هیچ‌یک از حکومت و مردم از دیگری سلب مسئولیت نمی‌کند. قرآن کریم در تشریح این مسئولیت و تبیین رابطه عدم انفاق و عدم رفع نیاز نیازمندان با فحشا می‌فرماید:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا مِنْ طَبِيبَاتٍ مَا كَسَبْتُمْ وَمِمَّا أَخْرَجْنَا لَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَلَا تَيَمَّمُوا الْخَبِيثَ مِنْهُ تُنْفِقُونَ وَلَسْتُمْ بِآخِذِيهِ إِلَّا أَنْ تُغْمِضُوا فِيهِ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ عَنِ حَمِيدِ الشَّيْطَانِ يُعِدُّكُمْ الْفَقْرَ وَيَأْمُرُكُمْ بِالْفَحْشَاءِ وَاللَّهُ يُعِدُّكُمْ مَغْفِرَةً مِنْهُ وَفَضْلًا وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ: ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از قسمت‌های پاکیزه اموالی که [از راه تجارت] به دست آورده‌اید، و از آنچه از زمین برای شما خارج ساخته‌ایم [از منابع، معادن، درختان و گیاهان]، انفاق کنید! و برای انفاق، به سراغ قسمت‌های ناپاک نروید، در حالی که خود شما [به هنگام پذیرش اموال] حاضر نیستید آنها را بپذیرید، مگر از روی اغماض و کراهت! و بدانید خداوند، بی‌نیاز و شایسته ستایش است. شیطان، شما را [به هنگام انفاق] وعده فقر و تهیدستی می‌دهد و به فحشا [و زشتی‌ها] امر می‌کند؛ ولی خداوند وعده «آمزش» و «فزونی» به شما می‌دهد و خداوند، قدرتش وسیع و [به هر چیز] داناست [به همین دلیل، به وعده‌های خود وفا می‌کند] (بقره: 267-268).

علامه طباطبایی در تفسیر آیات مذکور می‌فرماید:

امساک و خودداری افراد دارا از انفاق در نهایت منجر می‌شود به این که افراد نیازمند در مهلکه فقر و مسکنت گرفتار گردند که این منشأ از بین رفتن نفوس و هتک عرض و هر جنایت و فحشایی است (طباطبایی، 1417، ج 2، ص 394).

بر این اساس، افراد جامعه اسلامی جدا از حکومت، وظیفه دارند به شکل انفرادی و جمعی در قالب نهادهای مردم‌نهاد در جهت رفع نیاز مادی نیازمندان جامعه بکوشند.

3-2-2. تدابیر خاص (اختصاصی)

تدابیر خاص (اختصاصی) که مختص پیشگیری از جرایم جنسی در سیاست جنایی اسلام پیش‌بینی شده است، به شرح ذیل است.

2-2-1. کنترل نگاه

یکی از دریاچه‌های مهم ارتباط انسان با محیط اطراف، چشم است و این مجرای ارتباطی سهم وافری در برانگیختن قوای شهوانی دارد؛ بنابراین در آموزه‌های دینی به منظور پیشگیری از جرایم جنسی، به این نکته فراوان توجه شده است؛ زیرا نگاه آلوده می‌تواند نخستین گام برای روابط ناسالم قبیح‌تر قرار گیرد و حتی روابط گرم و آرام خانوادگی طرفین را به روابط سرد و آشفته تبدیل نماید و تا مرز از هم‌پاشیدگی پیش ببرد. امام صادق علیه السلام در روایتی می‌فرماید:

نگاه مکرر (حرام به نامحرم)، بذر شهوت را در قلب می‌کارد و همین برای گرفتار شدن نگاه‌کننده در فتنه کافی است (قمی، 1404، ج 4، ص 18).

از این رو، به مردان و زنان مؤمن دستور داده شده است نگاه خود را از نامحرم برگیرند: «قُلْ لِّلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ...» (نور: 30).

2-2-2. پرهیز از اختلاط

اختلاط زن و مرد نامحرم با یکدیگر در محیط‌های گوناگون اجتماعی، از محل تحصیل تا محیط اشتغال و... به صیرف اختلاط منعی ندارد، مگر اینکه عنوان حرام دیگری بر آن منطبق گردد؛ ولی از آنجا که احتمال دارد چنین اختلاطی زمینه برخی انحرافات رفتاری را فراهم سازد، توصیه بر این است که این اختلاط‌ها محدود گردد؛ چنان‌که قرآن درباره عدم اختلاط دختران حضرت شعیب با دیگر چوپانان می‌فرماید:

و وقتی [موسی] به [چاه] آب مدین رسید، گروهی از مردم را در آنجا دید که چهارپایان خود را سیراب می‌کنند و در کنار آنان دو زن را دید که مراقب گوسفندان خود هستند. به آن دو گفت: کار شما چیست؟ [چرا گوسفندان خود را آب نمی‌دهید؟] گفتند: ما آنها را آب نمی‌دهیم تا چوپان‌ها همگی خارج شوند ... (قصص: 23).

بر این اساس، از اختلاط زن و مرد بیگانه تا حد امکان باید پرهیز کرد تا از عوارض جانبی و پیامدهای احتمالی آن (جرایم جنسی) پیشگیری کرد.

3-2-2. اصلاح روابط اعضای خانواده در درون خانه

گفتنی است منظور از روابط اعضای خانواده، موقعیت و وضعیت زمانی و مکانی رابطه جنسی زوجین در محیط خانه و نیز وضعیت و محل استراحت والدین و فرزندان و نوع پوشش اعضای خانواده است. از آنجا که نابسامانی روابط خانوادگی از جهات گوناگون در وقوع جرایم جنسی تأثیرگذار است، بسامان کردن آن نیز تأثیر معکوس دارد و برخی از زمینه‌های این جرم را از میان می‌برد.

برابر آموزه‌های اسلامی، رابطه جنسی والدین باید به دور از سمع و نظر فرزندان، حتی فرزندی که هنوز زبان تکلم باز نکرده است، باشد. آیات و روایت متعددی بر این نکته مهم تأکید می‌کنند؛ از جمله:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِيَسْتَأْذِنَكُمْ الَّذِينَ مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ وَالَّذِينَ لَمْ يَبْلُغُوا الْحُلُمَ مِنْكُمْ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ مِنْ قَبْلِ صَلَاةِ الْفَجْرِ وَحِينَ تَضَعُونَ ثِيَابَكُمْ مِنَ الظَّهْرِ وَمِنْ بَعْدِ صَلَاةِ الْعِشَاءِ ثَلَاثُ عَوْرَاتٍ لَكُمْ... ای کسانی که ایمان آورده‌اید! بردگان شما و همچنین کودکان‌تان که به حد بلوغ نرسیده‌اند، در سه وقت باید از شما اجازه بگیرند: پیش از نماز صبح و نیمروز، هنگامی که لباس‌های [معمولی] خود را بیرون می‌آورید و بعد از نماز عشا. این سه وقت خصوصی برای شماست ... (نور: 58).

در روایتی از رسول خدا ﷺ آمده است:

سوگند به آن که جانم به دست اوست، اگر کسی با همسرش رابطه جنسی برقرار کند، در حالی که در آنجا بچه‌ای بیدار باشد و آنان را ببیند و سخن و صدای نفسشان را بشنود، آن بچه رستگار نخواهد شد؛ اگر پسر باشد، زانی و اگر دختر باشد، زانیه می‌گردد (حرّ عاملی، 1409، ج 20، ص 133).

این گزاره‌ها بیانگر تأثیر مخرب مشاهده رابطه جنسی والدین و شنیدن سخنانشان در آن هنگام بر فرزندان دارد که پدر و مادر باید به جد از آن بپرهیزند.

4-2-2. اصلاح روابط زن و مرد

اسلام روابط زن و مرد نامحرم را با یکدیگر ممنوع نکرده است؛ ولی برقراری این ارتباط را تابع مقرراتی دانسته است که رعایت این مقررات ضمن رفع نیاز ارتباط با

بیگانه، از پیامدهای سوء احتمالی (جرایم جنسی) پیشگیری می‌شود. این مقررات عبارت است از: حفظ پوشش (نور: 31)، کنترل نگاه (نور: 30)، پرهیز از تبرج (احزاب: 33)، خودداری از عشوه‌گری (نور: 60)، دوری از اختلاط و حفظ حیا (قصص: 23 و 25).

طبیعی است چنانچه مقررات مذکور در روابط میان زن و مرد بیگانه رعایت نشود، این روابط در بسیاری از موارد از حالت یک رابطه اجتماعی خارج شده، سبب تحریک غریزه جنسی و در نهایت جرایم جنسی می‌شود. تحقیقات بیان‌گر این است که در حدود یک‌سوم از موارد جرایم جنسی، قربانی و مجرم پیش از تجاوز با یکدیگر آشنا بوده‌اند و بر این اساس، می‌توان نتیجه گرفت بیشتر تجاوزها پیش از وقوع آنها طرح‌ریزی می‌شوند و همین امر در تناقض با دیدگاهی است که تجاوز را یک عمل مهارنشدنی و برانگیخته‌وار می‌داند (دادستان، 1382، ص 221).

5-2-2. بزه پوشی

در حقوق جزای اسلامی، جرایم به دو دسته جرایم حق‌اللهی و جرایم حق‌الناسی تقسیم می‌شوند. آموزه‌های سیاست جنایی اسلام در مبارزه با این دو دسته جرایم، تفاوت‌هایی با یکدیگر دارد که از آن جمله تفاوت آنها در امر بزه‌پوشی است. یکی از ویژگی‌های سیاست جنایی اسلام در مبارزه با جرایم جنسی، بزه‌پوشی است. اسلام در جرایم حق‌اللهی به طور عام و در جرایم جنسی به طور خاص تأکید دارد که اگر کسی مرتکب چنین جرایمی شد، راه درست و صحیح این است که میان خود و خدایش توبه نماید؛ زیرا این روش در اصلاح فرد مؤثرتر، فراگیرتر و کم‌هزینه‌تر است و سریع‌تر به نتیجه می‌رسد. علاوه بر اینکه طرح این گونه اعترافات در جامعه سبب اشاعه فحشا می‌شود و اشاعه فحشا باعث کم‌شدن و به تدریج از میان‌رفتن قبح فحشا در نگاه عمومی می‌گردد و در نتیجه این گونه جرایم در جامعه رواج می‌یابد؛ بنابراین خداوند در قرآن کریم در بیان فرجام بدنه تنها کسانی که با رفتار و گفتار خود اقدام به اشاعه فحشا می‌کنند، بلکه حتی کسانی را که دوست دارند و راضی به چنین وضعیتی‌اند، می‌فرماید:

إِنَّ الَّذِينَ يَحِبُّونَ أَنْ تَشِيعَ الْفَاحِشَةُ فِي الَّذِينَ ءَامَنُوا لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ
وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ: همانا برای کسانی که دوست دارند عمل زشت میان مؤمنان
رواج یابد، عذابی دردناک در دنیا و آخرت خواهد بود و خداوند می‌داند و شما نمی
دانید (نور: 19).

برخی از آموزه‌های سیاست جنایی اسلام در جهت بزه‌پوشی عبارت است از:
الف) توصیه به افراد بزه‌کار مبنی بر عدم اظهار جرم ارتكابی نزد دیگران، حتی
به قصد تحمل مجازات و پاک‌شدن از پلیدی عمل زشت، بلکه بهترین راه جامعه
پذیری و برگشت از انحرافات جنسی، ندامت از اعمال گذشته و طلب بخشش از
خداوند و تصمیم بر عدم تکرار آن است؛ چنان‌که حضرت امیر علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله
نقل می‌کند که فرمود:

کسی که از این قبیل اعمال زشت و ناپسند (جرایم جنسی) مرتکب شود، باید آن را
پوشیده نگه دارد؛ چنان‌که خداوند آن را پوشانیده است؛ زیرا اظهار فاحشه، فاحشه
دیگری است (مجلسی، 1410، ج 69، ص 254).

در برخی از این روایات، می‌بینیم هنگامی که این‌گونه مجرمان برای اقرار به جرم
ارتكابی، نزد پیامبر صلی الله علیه و آله می‌آمدند، حضرت می‌فرمود: «بروید و از خداوند طلب بخشش
نمایید و به سوی او بازگردید» (ر.ک: مجلسی، 1410، ج 76، ص 47).

مرحوم شیخ طوسی درباره جرایم حق‌اللهمی می‌نویسد:

اما اگر مجازات جرم، حق خداوند باشد - مانند حد زنا - در صورتی که پوشیده باشد
و مردم از آن آگاه نباشند و ارتكاب این جرم توسط او مشهور نشده باشد، توبه‌اش به
این است از عمل خود پشیمان گردد و تصمیم بگیرد از راه انحراف برگردد و مستحب
است موضوع را پوشیده بگذارد (طوسی، 1387، ج 8، ص 177).

پس اگر فرد جرمش را پوشیده نگاه دارد و میان خود و خدای عزوجل توبه نماید و
پرونده‌اش را نزد امام باز نکند، برایش بهتر و ثوابش بیشتر است و خلاصه اینکه توبه
پنهانی از این جرایم، برتر از اقرار به آنها و تن‌دادن به حد است و نیز به پرده‌پوشی و
عدم اظهار معصیت ترغیب می‌کنند.

ب) نهی افراد از تجسس در امور دیگران. انسان مسلمان موظف است از

سرک کشیدن به امور خصوصی دیگران پرهیزد و مسئولیت او نسبت به دیگران فقط در امور آشکار است که آن نیز شرایطی دارد و در بحث امر به معروف و نهی از منکر مضبوط است؛ بنابراین خداوند در قرآن کریم این گونه خطاب می‌کند: «لاتجسسوا» (حجرات: 12)؛ یعنی در امور دیگران تجسس نکنید. سیاست جنایی اسلام به ویژه در امور جنسی، بر پوشیده نگه داشتن جرایم حتی در موارد اطلاع است.

ج) توصیه به قضات به عدم اصرار بر کشف جرایم جنسی. یکی دیگر از آموزه‌های سیاست جنایی اسلام در این باره، توصیه به قضات است مبنی بر عدم اصرار، بلکه اهتمام به کاوش در اوضاع و احوال مردم برای کشف جرایم جنسی؛ اینکه دستور خداوند در قرآن کریم به عدم تجسس و تفتیش در امور مردم (ر.ک: حجرات: 12) دستوری عام است و علاوه بر عموم مردم، حاکمان از جمله دست‌اندرکاران امر قضاوت را نیز شامل است؛ بنابراین برخی فقها در این باره به این آیه شریفه استناد کرده‌اند:

تعرض به مردم و اذیت و آزار آنها به صرف اتهام به برخی از جرایم اخلاقی جنسی برای گرفتن اعتراف از آنها موجب تزلزل مردم حتی خوبان و پاکدامنان می‌گردد و از مصادیق تجسسی است که در کتاب خدا مورد نهی واقع شده است (موسوی اردبیلی، 1427، ص 260-261).

بر همین اساس، بسیاری از فقیهان اجازه کاوش حتی در موارد مشکوک به جرایم جنسی را نمی‌دهند. یکی از فقها در این باره می‌نویسد:

اگر زنی بدون شوهر باردار شود، حد بر او اجرا نمی‌شود، مگر چهار بار اقرار به زنا کند یا بینه بر ضد او باشد و هیچ کس حق ندارد از او سؤال کند که این حمل از کجا آمده است یا نسبت به ماجرا تفتیش نماید (خمینی، 1390، ج 2، ص 460/ نیز ر.ک: موسوی گلپایگانی، 1414، ص 180/ شیرازی، 1418، ص 189/ فاضل لنکرانی، 1422، ص 113).

گفتنی است این سیاست درباره جرایم فردی است، نه جرایم بانندی و سازمان‌یافته که در صدد ترویج فساد در سطح جامعه اند. در برخورد با جرایم بانندی و سازمان‌یافته، تجسس و تفتیش برای شناسایی، تعقیب، دستگیری، محاکمه و مجازات، امری ضروری است؛ زیرا مصلحت مهم‌تری مانند حفظ نظام و مصلحت عامه آن را اقتضا دارد؛

چنان‌که برخی فقها در پاسخ استفتائات صورت گرفته، تجسس در این موارد را جایز، بلکه لازم دانسته‌اند (ر.ک: گنجینه استفتائات قضایی، کد سؤال: 240)

د) سخت‌گیری در اثبات این جرم، بر اساس اقتضای همین سیاست است که در فقه کیفری اسلام، در ادله اثبات جرایم جنسی بسیار سخت‌گیری شده است؛ به گونه‌ای که یکی از ادله اثبات این جرایم، اقرار است و این اقرار باید چهار بار در چهار جلسه تکرار و با شرایطی صورت گیرد و یکی دیگر از ادله، شهادت است که باید چهار نفر همزمان به وقوع این جرم با شرایطی شهادت دهند و در صورت تکمیل نشدن تعداد شهادت‌دهندگان یا همزمان نبودن آن، شاهدان مرتکب جرم کذب شده‌اند و مستحق مجازات‌اند. همه این آموزه‌ها بیانگر سیاست بزه‌پوشی اسلام در برابر جرایم جنسی است.

نتیجه

سیاست جنایی برای پیشگیری از جرایم از جمله جرایم جنسی، برنامه‌های خود را در بخش پیشگیری اجتماعی از جرایم جنسی در دو سطح تنظیم کرده است؛ در سطح نخست، با برنامه‌هایی همچون اعطای بینش، تقویت باور و ایمان، تقوآم‌حوری و خودنظارتی، پذیرش خداناظری، آموزش و تشویق و تسهیل نهاد ازدواج، می‌کوشد انسان به نقطه‌ای برسد که کششی در او برای ورود به دایره ممنوع جنسی به وجود نیاید و در سطح دوم مبارزه، با تدبیر کنترل نگاه، پرهیز از اختلاط، حیا، بزه‌پوشی، احیای نقش خانواده، اصلاح روابط خانوادگی، اصلاح روابط زن و مرد و رفع نیازهای اقتصادی، درصدد برچیدن عوامل و زمینه‌های کشش به سوی دایره ممنوع جنسی است. این برنامه‌ها و تدابیر، گاه به فرد ناظر است که می‌کوشد او را نسبت به جایگاه والایش در نظام خلقت آگاه سازد تا گوهر وجودش را قدر بداند و همواره خود را در محضر خالق و پروردگارش ببیند، با رسوخ ایمان در جانش و نهادینه کردن تقوا در وجودش و تشویق به حیا، سد محکمی در برابر خواهش‌های نفسانی بنا سازد و گاه به خانواده ناظر است تا با اصلاح روابط میان اعضا و انجام وظایف در برابر یکدیگر، ارائه آموزش

و تربیت لازم و اقدام به تزویج به موقع فرزندان و تسهیل در آن، اعضایش را در امر رعایت مقررات جامعه در حوزه جرایم جنسی یاری رساند و گاهی نیز به جامعه و در رأس آن به حکومت ناظر است که با ارائه آموزش، تربیت، رفع نیازهای اقتصادی، تسهیل و فراهم‌سازی مقدمات ازدواج و بزه‌پوشی، افراد جامعه را در مقابل تندباد غریزه جنسی، واکسینه نمایند. طبیعی است در صورت کاربست تدابیر اندیشیده‌شده در قرآن کریم در گام پیشگیری اجتماعی از جرایم جنسی، زمینه‌های جرایم جنسی به حداقل می‌رسد و در صورت بروز کشش‌های زیاده‌خواهانه جنسی، از درون فرد عوامل کنترل‌کننده به پا خواهند خواست و راهش را سد می‌کنند.

منابع

- * قرآن کریم.
1. ابن اثیر جزری، مجدالدین ابی السعادات المبارک؛ *النهاية* (پنج جلدی)؛ چ 4، قم: مؤسسه اسماعیلیان، 1364.
 2. احسائی، محمد بن علی بن ابراهیم؛ *عوالی اللثالی* (چهار جلدی)؛ چ 1، قم: مطبعة سيد الشهداء، 1403 ق.
 3. پیکا، ژرژ؛ *جرم شناسی*، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی؛ چ 1، تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، 1370.
 4. حرّ عاملی، محمد بن حسن؛ *وسائل الشیعة* (سی جلدی)؛ چ 1، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام، 1409 ق.
 5. حلّی (علامه حلّی)، حسن بن یوسف بن مطهر؛ *تحریر الأحکام* (دو جلدی)؛ چ 1، مشهد: مؤسسه آل البيت علیهم السلام، [بی تا].
 6. خمینی، سید روح الله؛ *تحریر الوسيلة* (دو جلدی)؛ چ 2، نجف: مطبعة الآداب، 1390 ق.
 7. دادستان، پریرخ؛ *روانشناسی جنایی*؛ چ 1، تهران: سمت، 1382.
 8. دهخدا، علی اکبر؛ *لغتنامه* (شانزده جلدی)؛ چ 2، تهران: دانشگاه تهران، 1377.
 9. سلیمی، علی و محمد داوری؛ *جامعه شناسی کجروی* (ویراست دوم)؛ چ 2، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، 1385.
 10. شریف رضی، محمد بن حسین؛ *نهج البلاغه*، تحقیق صبحی صالح؛ چ 1، قم: هجرت، 1414 ق.

11. طباطبایی، سیدمحمدحسین؛ المیزان فی تفسیرالقرآن (بیست جلدی)؛ چ 1، بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، 1417ق.
12. طبرانی، سلیمان بن احمد؛ المعجم الكبير (25 جلدی)؛ چ 2، قاهره: مكتبة ابن تیمیة، [بی تا].
13. طبرسی، فضل بن حسن؛ مجمع البیان فی تفسیرالقرآن؛ چ 1، بیروت: دارالمعرفة، 1406ق.
14. طرابلسی، عبدالعزیز بن براج؛ المهذب (دو جلدی)؛ قم: جامعه مدرسین، 1406ق.
15. طوسی (شیخ طوسی)، محمد بن حسن؛ الاستبصار (چهار جلدی)؛ چ 4، تهران: دارالکتب الاسلامیة، 1363.
16. —؛ المبسوط (هشت جلدی)؛ چ 3، تهران: المكتبة المرتضویة، 1387ق.
17. فاضل لنکرانی، محمد؛ تفصیل الشریعة فی شرح تحریر الوسیلة (الحدود)؛ چ 1، قم: مرکز فقهی ائمه اطهار، 1422ق.
18. فرجاد، محمدحسین؛ روانشناسی و جامعه شناسی جنایی؛ چ 1، تهران: نشر همراه، 1369.
19. قمی (شیخ صدوق)، محمد بن علی بن بابویه؛ من لایحضره الفقیه؛ چ 2، قم: جماعة المدرسین، 1404ق.
20. کی نیا، مهدی؛ مبانی جرم شناسی (دو جلدی)؛ چ 4، تهران: دانشگاه تهران، 1373.
21. مجلسی، محمدتقی؛ بحار الأنوار (107 جلدی)؛ چ 1، بیروت: مؤسسة الطبع والنشر، 1410ق.
22. مکارم شیرازی، ناصر؛ أنوار الفقاهة (کتاب الحدود والتعزیرات)؛ چ 1، قم: انتشارات مدرسة الإمام علی بن ابیطالب، 1418ق.
23. —؛ برگزیده تفسیر نمونه (پنج جلدی)، تهیه و تنظیم علی بابایی، چ 3، تهران: دارالکتب الإسلامیة، 1386.
24. —؛ تفسیر نمونه (27 جلدی)؛ چ 1، تهران: دارالکتب الإسلامیة، 1374.

25. موسوی اردبیلی، سید عبدالکریم؛ *فقه الحدود والتعزیرات* (چهارجلدی)؛ چ 2، قم: مؤسسه النشر لجامعة المفید، 1427ق.
26. موسوی گلپایگانی، سید محمد رضا؛ *الدر المنضود* (سه جلدی)؛ چ 2، قم: مؤسسه آل البيت، 1414ق.
27. نجفی، محمد حسن؛ *جواهر الکلام* (43 جلدی)؛ چ 7، بیروت: دار احیاء التراث العربی، 1404ق.
28. نرم افزار گنجینه استفتائات قضایی؛ مؤسسه آموزشی پژوهشی قضا.